از عبدالله بن عمرو در مورد بدترین رفتاری که مشرکان با رسول الله صلی الله علیه وسلم داشتند، پرسیدم که گفت: درحالی که رسول الله صلی الله علیه وسلم نماز می خواند، عقبة بن ابی معیط را دیدم که به سوی ایشان آمد و ردایش را به دور گردن رسول الله صلی الله علیه وسلم پیچاند و به شدت فشرد تا ایشان را خفه کند.

از عروة بن زبیر روایت است که می گوید: از عبدالله بن عمرو در مورد بدترین رفتاری که مشرکان با رسول الله صلی الله علیه وسلم داشتند، پرسیدم که گفت: درحالی که رسول الله صلی الله علیه وسلم نماز می خواند، عقبة بن ابی معیط را دیدم که به سوی ایشان آمد و ردایش را به دور گردن رسول الله صلی الله علیه وسلم پیچاند و به شدت فشرد تا ایشان را خفه کند که ابوبکر آمد و او را از رسول الله صلی الله علیه وسلم دور نمود و فرمود: «أَتَقْتُلُونَ رَجُلًا أَنْ يَقُولَ رَبِّيَ اللَّهُ وَقَدْ جَاءَكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ مِنْ رَبِّكُمْ» [غافر: 28] «آیا می خواهید این مرد را [فقط به این جرم] بکشید که می گوید: پروردگارم الله است و [در تأیید سخنش نیز] دلایل روشنی از سوی پروردگارتان برای شما آورده است؟».

[صحیح است] [به روایت بخاری]

عروة بن زبیر بن عوام رحمه الله از عبدالله بن عمرو بن عاص رضی الله عنه در مورد بدترین رفتار مشرکان با رسول الله صلی الله علیه وسلم سوال می کند؛ و عبدالله به وی خبر می دهد که: رسول الله صلی الله علیه وسلم مشغول نماز خواندن در حجر اسماعیل بود که عقبة بن ابی معیط به سوی ایشان آمد و لباس خودش یا لباس رسول الله صلی الله علیه وسلم را بر گردن شریف رسول الله صلی الله علیه وسلم پیچاند و به شدت فشرد و قصد خفه کردن ایشان را داشت که ابوبکر آمد و او را از رسول الله صلی الله علیه وسلم دور نمود، درحالی که گریه می کرد و می گفت: «أَتَقْتُلُونَ رَجُلًا أَنْ يَقُولَ رَبِّيَ اللَّهُ وَقَدْ جَاءَكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ مِنْ رَبِّكُمْ» [غافر: 28] «آیا می خواهید این مرد را [فقط به این جرم] بکشید که می گوید: پروردگارم الله است و [در تأیید سخنش نیز] دلایل روشنی از سوی پروردگارتان برای شما آورده است؟». این شدیدترین رفتاری بوده که عبدالله رضی الله عنه از مشرکان نسبت به رسول الله صلی الله علیه وسلم شاهد بوده است. حال آنکه عروه خبر می دهد شدیدتر و بدتر از آن را از عایشه رضی الله عنها همسر رسول الله صلی الله علیه وسلم شنیده است؛ آنگاه که عایشه رضی الله عنها از رسول الله صلی الله علیه وسلم پرسیده است: آیا روزی سخت تر از روز اُحُد بر شما گذشته است؟ و رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرماید: «لَقَدْ لَقِيتُ مِنْ قَومِكِ ما لقيت، وكَان أَشدُّ ما لَقِيتُ مِنْهُمْ يوْم العقَبَةِ، إِذْ عرَضْتُ نَفسِي على ابْنِ عَبْدِ يَالِيلَ ابنِ عبْدِ كُلال، فلَمْ يُجِبْنِي إِلى ما أَردْتُ، فَانْطَلَقْتُ وَأَنَا مَهْمُومٌ على وَجْهِي، فلَمْ أَسْتَفِقْ إِلاَّ وَأَنا بقرنِ الثَّعالِب، فَرفَعْتُ رأْسِي، فَإِذا أَنَا بِسحابَةٍ قَد أَظلَّتْنِي، فنَظَرتُ فَإِذا فِيها جِبريلُ، فنَادانِي فقال: إِنَّ اللَّه قَد سَمِع قَولَ قومِك لَكَ، وَما رَدُّوا عَلَيك، وَقد بعثَ إِلَيك ملَكَ الجبالِ لِتأْمُرَهُ بِمَا شِئْتَ فِيهم؛ فَنَادَانِي مِلَكُ الجِبَالِ، فَسلَّمَ عَليَّ ثُمَّ قال: يا مُحَمَّدُ إِنَّ اللَّه قَد سمِعَ قَولَ قَومِكَ لَك، وأَنَا مَلَكُ الجِبال، وقَدْ بَعَثَني رَبِّي إِلَيْكَ لِتأْمُرَني بِأَمْرِك، فَمَا شِئْتَ؟ إِنْ شئْتَ، أن أَطْبَق عَلَيهِمُ الأَخْشَبَيْن»: «سختی های فراوانی از قومِ تو دیده ام. سخت ترینش روز عقبه بود؛ آنگاه که خود را به عبد یالیل بن کُلال عرضه کردم و او خواسته ام را نپذیرفت. لذا غمگین شدم و به رویِ خود رفتم و تا قرن الثعالب به خود نیامدم. آنجا سَرَم را بالا گرفتم؛ ابری دیدم که بر من سایه افکنده بود و چون به آن نگاه کردم، جبرئیل را در آن دیدم. مرا ندا داد و گفت: الله متعال سخنِ قومت و پاسخی را که به تو دادند، شنید. اینک مَلَک کوه ها را نزدت فرستاده است تا هرچه می خواهی درباره ی آنها به او حکم کنی. سپس مَلَک کوه ها مرا ندا داد و به من سلام کرد و گفت: ای محمد، الله سخنِ قومت و پاسخی را که به تو دادند، شنید. اینک مرا نزدت

فرستاده است تا درباره ی آنها هرچه می خواهی به من دستور دهی؛ چه می خواهی؟ اگر بخواهی، دو کوه را بر سرِ ایشان فرود می آورم». اما رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «بلْ أَرْجُو أَنْ يُخْرِجَ اللَّه مِنْ أَصْلابِهِم منْ يَعْبُدُ اللَّه وَحْدَهُ لا يُشْرِكُ بِهِ شَيْئاً»: «(خیر؛) بلکه امیدوارم الله از نسلِ اینها کسانی پدید آورَد که فقط الله یکتا را عبادت کنند و چیزی را شریکش نسازند».

http://www.sunnah.global/hadeeth/fa/show/11159